

تاثیر سبک هویتی و هوش هیجانی در پیش بینی انگیزه ی پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد

دکتر فرناز کشاورزی ارشدی^۱

هدف پژوهش حاضر، شناخت سبک‌های هویتی در دانشجویان و میزان تاثیر این سبک‌ها و هوش هیجانی در پیش بینی انگیزه ی پیشرفت و عملکرد تحصیلی آنها بود. برای این منظور ۴۵۰ نفر از دانشجویان دانشکده های دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به شیوه ی خوشه ای چند مرحله ای تصادفی انتخاب و بوسیله ی پرسشنامه ی سبک هویتی، انگیزه ی پیشرفت، هوش هیجانی و معدل واحدهای گذرانده شده مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج، نشان داد که بالاترین میانگین در سبک های هویتی دانشجویان مورد مطالعه، به ترتیب مربوط به سبک هنجاری و سپس سبک اطلاعاتی بود. تحلیل یافته ها نیز حاکی از آن بود که سبک هویتی و میزان هوش هیجانی در انگیزه ی پیشرفت، موثر است در حالیکه سبک هویتی، هوش هیجانی و انگیزه ی پیشرفت با عملکرد تحصیلی، ارتباط معناداری ندارد.

واژه های کلیدی: سبک هویتی، هوش هیجانی، انگیزه ی پیشرفت و عملکرد تحصیلی

مقدمه

دانشجویان، برحسب موقعیت، نیازها، شایستگی های فردی و شخصیتی، اهداف متفاوتی از پیشرفت تحصیلی دارند که بوسیله ی واسطه هایی مثل الگوی شناختی، عاطفی و رفتاری تعیین می شود. عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشگاهی در عملکرد تحصیلی موثر است. از سوی دیگر، رفتن به دانشگاه، انتقال مهمی در زندگی محسوب می شود زیرا فرد با چالش های مختلفی از قبیل ایجاد روابط اجتماعی جدید و مواجهه با انتظارات تحصیلی رو به روست. البته ابعاد شخصیتی نیز نقش مهمی در این زمینه دارد (آدامز،^۲ ۱۹۹۸). همچنین فرآیند هویت یابی نیز در این امر دخالت دارد. طبق نظر اریکسون^۳ (۱۹۵۸) دانشگاه، فرصتی فراهم می کند تا فرد را در انتخابهای زندگی و شکل گیری یک هویت پایدار، یاری رساند و چارچوبی را برای تصمیم گیری و حل

۱. استادیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز far_karshadi@yahoo.com

مسائل و مقابله با مشکلات روزمره فراهم می کند (برک، ۲۰۰۷؛ برزونسکی و کوک^۱، ۲۰۰۵). کافمن و فیلمن^۲ (۲۰۰۴) معتقدند که خودپنداره^۳، خودمعرفی شده به دیگران^۴ و نگرش دیگران نسبت به فرد، تجارب، تعاملات و ارتباطات در دانشگاه می تواند در سه حوزه ی شغل، جهان بینی دانایی و فضیلت در فرد تغییر ایجاد کند.

و تعهد^۷ مارسیا^۵ (۱۹۶۶) چهارالگوی وضعیتی را با استفاده از متغیرهای زیربنایی خود اکتشافی^۶ مطرح می کند و با در نظر گرفتن حضور یا عدم حضور این دو بعد وضعیت های هویت را از یکدیگر متمایز می نماید. این چهار وضعیت عبارتند از: وضعیت هویت اکتساب شده^۸، وضعیت هویت دیررس^۹، وضعیت هویت زودرس^{۱۰} و وضعیت هویت سردرگم^{۱۱} (نقل از برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵؛ رایس، ۲۰۰۱). الگوی وضعیت های هویت مارسیا از طرف روان شناسان، مورد نقد و بررسی قرار گرفت زیرا او هویت را در شرایط پایدار ماندن نتایج جستجو و ویژگی های ثابت و ایستا توصیف می کند و الگوی وضعیتی او، مبتنی بر نتایج ثابت شکل گیری هویت است (کاته و لوین^{۱۲}، ۱۹۸۸ ون هوف^{۱۳}، ۱۹۹۹؛ به نقل از دوریس^{۱۴}، ۲۰۰۴ و سوانز و دوریس، ۲۰۰۳) این در حالی است که مطالعات اخیر، نشانگر عدم پایداری کامل هویت است و موارد بسیاری دیده شده که افراد حتی سالها پس از شکل گیری هویت و تحت تاثیر فشارهای روانی (مانند بحران های شغلی، تحصیلی و خانوادگی مانند ازدواج یا تولد فرزند و...) مجددا دچار بحران هویت می گردند (برک، ۲۰۰۷). در نظر برزونسکی (۱۹۸۸) ارتباط بسیار نزدیکی بین وضعیت هویتی هر فرد و اینکه شخص درباره ی رفتار چگونه فکر می کند، وجود دارد. یافته های مطالعات جدیدتر به موازات یافته های برزونسکی بوده و آنها را تایید می کند، به این ترتیب که دستیابی به وضعیت هویتی، همبستگی مثبت با جهت گیری اطلاعاتی و تعهد دارد (استریمتر^{۱۵}، ۱۹۹۳).

از جمله دیگر فعالیت های انجام شده، بررسی وجود نوعی رابطه ی احتمالی بین وضعیت های هویتی مارسیا با سبک های هویتی برزونسکی بود. برزونسکی (۲۰۰۳) با انجام مطالعه ای در این زمینه به این نتیجه دست یافت که وضعیت هویت اکتساب شده و دیررسی هویت از سبک اطلاعاتی وضعیت هویت زود هنگام، از سبک هنجاری و وضعیت سردرگم، از سبک سردرگم/ اجتنابی

1. Berzonsky & kuck
2. Kaufman & Feldman
3. self- concept
4. presented self

5. Marcia
6. self exploration
7. commitment
8. achieved

9. moratorium identity
10. foreclosure identify
11. identify diffusion
12. Cote-Levin

13. Van hoff
14. Duries
15. Strimeter

استفاده می کنند (برزونسکی، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵). از نظر برزونسکی و کوک (۲۰۰۵) هویت، یک تصور و بازنمایی ذهنی از خود است و افراد برحسب استفاده از فرآیندهای شناختی و اجتماعی و نظریه های خود ساخته برای حل مسایل شخصی و تصمیم گیری ها، در استفاده از سبک ها با یکدیگر تفاوت دارند. این سبک ها، راه های پردازش اطلاعات و مقابله با مشکلات ناشی از بحران هویت است (دوریس و سوانسون و بیرز، ۲۰۰۴؛ برمن و شوارتز^۱، ۲۰۰۱). در سبک هویت هنجاری فرد ارزش های مراجع قدرت و والدین را می پذیرد. افراد دارای این سبک، انعطاف ناپذیرند و هدفهای کاری و آموزشی مشخصی دارند که از بیرون کنترل می شود. در سبک هویت سردرگم/اجتنابی، فرد همواره به درخواست های موقعیتی واکنش نشان می دهد؛ این گروه با تعلل و درنگ زیاد در تصمیم گیری برای مسایل شخصی و هویتی مشخص می شوند. در سبک اطلاعاتی، فرد جستجوگر اطلاعات بوده، در مورد مفاهیم خود شکاک و نسبت به آگاهی های مربوط به خود گشاده اند و به پردازش و ارزیابی اطلاعات، قبل از تصمیم گیری می پردازند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵).

برزونسکی و کوک (۲۰۰۰) در بررسی وضعیت هویت و سبک هویت دانشجویان، دریافته اند که تفاوت در وضعیت هویت، علتی برای تغییر معنادار در پیشرفت و خود مختاری تحصیلی، درگیری آموزشی و رشد روابط بین فردی است. دانشجویان با سبک هویت اطلاعاتی، برای انطباق موثر با محیط، آمادگی بهتری دارند و افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی با مشکلات بیشتری روبه رو هستند. نوجوانان با سبک هنجاری، اغلب خود کنترل، با وجدان و هدف مدار هستند. تحقیقات نشان می دهد که سبک سردرگم/اجتنابی با تکانشی بودن، خود آگاهی حداقل، خود کنترلی محدود و تعهد ضعیف در روابط همراه است (برزونسکی، ۲۰۰۲).

دوره ی نوجوانی با هوشیاری فزاینده نسبت به دوره های هیجانی پیچیده مانند احساس گناه که از احساس خشم، احساس شرم یا احساس ترس ناشی می شود همراه است. در این دوره، نوجوان به طور روزافزون راهبردهای پیچیده را برای تنظیم مستقل هیجان ها به کار می بندد (کار^۲، ۲۰۰۷) و نوع و میزان فراوانی رفتارهای پرخطر، بر حسب سن و جنس تغییر می یابد (بایار، سایل^۳، ۲۰۰۵). هوش هیجانی، سازه ای نسبتاً جذاب در ادبیات روان شناسی است. امروزه هوش هیجانی موضوع مورد بحث بسیاری از پژوهش های مربوط به بررسی تفاوت های فردی شده و بر مطالعات مرتبط با

1. Berman & Schwartz

2. Carr

3. Bayar-Sayel

هوش هیجانی افزوده است (پتريدز و فورنهام^۱، ۲۰۰۴). نظريه پردازان هوش هیجانی، اعتقاد دارند افرادی که از لحاظ هیجانی بالاترند حالت‌های هیجانی خود را به نحو صحیح درک و ارزیابی نمایند و می‌دانند چگونه و چه وقت احساسات خود را بیان نمایند و به نحو موثری خلق خود را تنظیم می‌نمایند. این افراد از لحاظ اجتماعی نیز کارآمدند (سالوی^۲، ۱۹۹۹).

عدم برقراری ارتباط مطلوب با دیگران و نداشتن مهارت‌های لازم برای استفاده از راه‌های کارآمد برای رشد رضایت و خشنودی از ارتباطات اجتماعی، منشا بسیاری از استرس‌های روانی است (آریندل^۳ و دیگران، ۲۰۰۴). بیگلن و بولز^۴ و همکاران (۲۰۰۶) با مطالعه ی ارتباط بین رفتارهای مثبت و منفی در نوجوانی دریافتند در مواردی که نشانگر رفتارهای مثبت و مطلوب است، می‌توان احتمال پیامد‌های ناشی از رفتارهای مثبت را مشخص کرد و البته همین امر درباره ی مجموعه رفتارهای منفی و احتمال پیامد‌های منفی ناشی از آنها نیز قابل پیش‌بینی است. مطالعه ی فیلیپس^۵ (۲۰۰۷) نشان دهنده ی وجود رابطه ی معنادار بین باور به سرنوشت و احساس ناتوانایی و سبک هویتی سردرگم-اجتنابی است. هوش هیجانی می‌تواند به عنوان یک پیش‌بینی کننده مورد استفاده قرار گیرد. نتایج مغایر و گاه متضادی در تحقیقات مربوط به هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دیده می‌شود. در برخی مطالعات، رابطه ی مثبتی میان هوش هیجانی صفتی و پیشرفت تحصیلی دیده شده است اما در گروهی دیگر از مطالعات، رابطه ای میان هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی به دست نیامده است (اسداله پور، زارعان، بخشی پور، ۱۳۸۵). نورمی، برزونسکی، تامی و کینی^۶ (۱۹۹۷) دریافتند که سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی بالاتر بودن اعتماد به نفس و پایین بودن واکنش‌های افسردگی و روان رنجوری در ارتباط بوده و در مقابل سبک هویت سردرگم/اجتنابی با مشکلاتی در زمینه ی مصرف الکل و مواد مخدر و پایین بودن اعتماد به نفس و بالا بودن واکنش‌های افسردگی رابطه دارد.

برزونسکی و کوک (۲۰۰۰) نشان دادند که دانشجویان با سبک اطلاعاتی، آمادگی بهتری برای انطباق با محیط دانشگاه دارند در حالیکه افراد با سبک هویت سردرگم/اجتنابی با مشکلات بیشتری مواجه اند. بوید و هانت^۷ (۲۰۰۳) دریافتند که سبک هویت سردرگم/اجتنابی رابطه ی منفی با عملکرد تحصیلی دارد در حالیکه سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری، رابطه ی مثبتی با موفقیت

1. Petrides & Frederickson
2. Salovy
3. Arindel

4. Biglan & Boles
5. Phillips
6. Nurmi, Tammy & Kinney

7. Boyd- Hunt

تحصیلی دارد. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که افراد در صورت عدم کسب موفقیت در هویت ممکن است دچار مشکلات رفتاری و روان‌شناختی نظیر مشکلات تحصیلی و سومصرف مواد و افسردگی شوند (بوید، هانت و لوکاس، ۲۰۰۳؛ ولیوراس و بوسما^۱، ۲۰۰۵). در مطالعه ی دیگری برزونسکی و کوک (۲۰۰۵) نشان دادند دانشجویانی که با سبک اطلاعاتی، سطوح بالایی از استقلال تحصیلی را نشان می‌دهند، درک روشنی از اهداف آموزشی دارند، دارای مهارت های بالای اجتماعی بوده و گرایش به عملکرد تحصیلی سطح بالا دارند؛ در مقابل، دانشجویان با سبک سردرگم-اجتنابی در ابعاد و حوزه های مذکور، بهره ی چندانی کسب نمی‌کنند. دانشجویان با سبک هویت هنجاری نیز درک روشنی از جهت گیری و اهداف تحصیلی دارند اما در مقایسه با همگنان با سبک اطلاعاتی خود، بطور معناداری کم تحمل تر بوده و از لحاظ تحصیلی، آموزشی و هیجانی، خود مختاری کمتری نشان می‌دهند. حجازی، شهرآرای^۲ و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که سبک هویت اطلاعاتی، تاثیر مثبت و مستقیمی بر عملکرد تحصیلی دارد در حالی که سبک سردرگم-اجتنابی، تاثیر منفی بر پیشرفت تحصیلی دارد. راستگو مقدم (۱۳۷۶) به این نتیجه رسید که هویت شغلی با افزایش سن، تغییرات معناداری نشان می‌دهد و بین هویت و پیشرفت تحصیلی رابطه ی معناداری وجود دارد. زارع (۱۳۸۰) نشان داد که ۴۸ درصد از واریانس کل موفقیت تحصیلی را هوش هیجانی تعیین می‌کند در حالیکه در پژوهش لطفی عظیمی (۱۳۸۵) رابطه ی معناداری بین هوش هیجانی با معدل ترمی و معدل دیپلم دیده نشده است. ذوقی (۱۳۸۴) نشان داد هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد و افزایش هوش هیجانی به سلامت روان و پیشرفت تحصیلی منجر می‌شود.

روش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه ی آماری این پژوهش، شامل دانشجویان دختر و پسر با دامنه ی سنی ۲۰ تا ۳۵ سال است که در سال ۱۳۸۷ در شاخه‌های فنی-مهندسی، ادبیات، علوم اجتماعی- روان شناسی و هنر در دانشکده‌های دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز مشغول به تحصیل بودند. حجم گروه نمونه با توجه به منابع مالی، حجم جامعه ی آماری، روش پژوهش و بر طبق جدول مورگان (نقل از وزیری و

همکاران، ۱۳۸۲) برآورد شده و تعداد ۴۵۰ نفر به شیوه ی خوشه ای چند مرحله ای تصادفی انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزار

در این پژوهش از سه پرسشنامه ی سبک هویتی برزونسکی، انگیزه ی پیشرفت هرمنس و هوش هیجانی برادبری-گریوز استفاده شده است.

پرسشنامه ی سبک هویتی برزونسکی: این پرسشنامه که در سال (۱۹۸۹) توسط برزونسکی در آمریکا تهیه شده و در سال (۱۹۹۷) توسط برزونسکی مورد تجدید نظر قرار گرفته شامل ۴۰ ماده است و آزمودنی ها با خواندن هر ماده بر اساس یک مقیاس ۵ درجه ای میزان موافقت یا مخالفت خود را در هر ماده مشخص می کنند. پایایی مقیاس سبک اطلاعاتی ۰/۸۷، سبک هنجاری ۰/۸۷، سبک سردرگم / اجتنابی ۰/۸۳ و تعهد ۰/۸۹ گزارش شده است. آلفای کرونباخ نشان داد که آزمون از همسانی درونی مناسبی برخوردار است (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۸۶).

پرسشنامه ی انگیزه ی پیشرفت هرمنس: این پرسشنامه دارای ۲۹ گروه عبارات ۴ جمله ای است. آزمودنی ها با خواندن هر گروه از عبارات، یکی از ۴ جمله را که با آن موافقت برمی گزینند. ضریب پایایی محاسبه شده برای پرسشنامه ۰/۸۴ و ۰/۸۲ گزارش شده است (نقل از نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۵).

پرسشنامه ی هوش هیجانی برادبری-گریوز: این پرسشنامه دارای ۲۸ جمله است و قابلیت اجرای گروهی دارد. آزمودنی ها با خواندن هر ماده بر اساس یک مقیاس لیکرت ۷ درجه ای میزان موافقت یا مخالفت خود را در هر ماده مشخص می کنند. این پرسشنامه مطابق با تعاریف نظری ارائه شده از هوش هیجانی دارای ۴ زیر مقیاس و یک نمره ی کل برای هوشبهر هیجانی است. گنجی (۱۳۸۴) با بررسی این پرسشنامه روایی و پایایی آن را مطلوب اعلام کرده است.

یافته ها

اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، بالاترین میانگین در کل نمونه مربوط به سبک هویتی هنجاری و سپس سبک اطلاعاتی است و پایین ترین میانگین در میزان تعهد دیده می شود.

جدول ۱: مولفه های توصیفی متغیرهای پژوهشی

انحراف معیار	میانگین		
۵/۸۵۲	۲۸/۹۲	هنجاری	سبک های هویتی
۴/۷۷۷	۲۴/۶۱	اجتنابی	
۴/۹۷۱	۲۳/۵۵	تعهد	
۵/۴۱۰	۲۶/۶۸	اطلاعاتی	
۴/۵۶۳	۲۲/۹۶	خود آگاهی	روش های یادگیری
۷/۲۲۸	۳۲/۱۸	خود مدیریتی	
۴/۱۸۶	۲۰/۵۸	آگاهی اجتماعی	
۶/۵۱۶	۲۳/۷۲	مدیریت روابط	
۱۲/۶۷۴	۹۹/۶۵	نمره ی کل	دانشجویان
۱/۸۴۶	۱۵/۷۴۴	عملکرد تحصیلی	
۸/۴۱۳	۸۴/۷۷	انگیزه ی پیشرفت	
۱/۸۰۶	۱۵/۶۱۲	عملکرد تحصیلی	
۹/۰۷۲	۸۳/۷۸	انگیزه ی پیشرفت	دانشجویان

در زمینه ی هوش هیجانی بالاترین میانگین در کل نمونه، مربوط به زیر مقیاس خود مدیریتی و پایین ترین میانگین در زیرمقیاس آگاهی اجتماعی دیده می شود و در زمینه ی عملکرد تحصیلی و انگیزه ی پیشرفت میانگین عملکرد تحصیلی در دو گروه دختران و پسران دانشجو در کل نمونه و کلیه ی رشته های تحصیلی چندان تفاوتی ندارد. همچنین میزان انگیزه ی پیشرفت آنها نیز اندکی در دختران دانشجو بالاتر است.

در ادامه با در نظر گرفتن متغیر ملاک (انگیزه ی پیشرفت) و متغیرهای پیش بین (سبک هویتی و هوش هیجانی) ارتباط بین متغیرهای مورد نظر را از طریق محاسبه ی ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۲ بررسی کرده ایم. همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می شود، متغیرهای مورد پژوهش با ۹۹ درصد اطمینان با انگیزه ی پیشرفت ارتباط معنادار دارند. برای بررسی بیشتر و یافتن سهم هر یک از متغیرها در پیش بینی انگیزه ی پیشرفت، نتایج آزمون تحلیل رگرسیون- مدل گام به گام در جدول ۳ ارائه شده است.

**جدول ۲: مقادیر ضریب همبستگی بین انواع سبک ها
عوامل هوش هیجانی با میزان انگیزه ی پیشرفت**

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سبک هنجاری	۰/۲۰۲	۰/۰۰۰
سبک اجتنابی	۰/۲۶۸	۰/۰۰۰
سبک اطلاعاتی	۰/۳۳۴	۰/۰۰۰
تعهد	-۰/۲۵۱	۰/۰۰۰
خود آگاهی	۰/۲۰۹	۰/۰۰۰
خود مدیریتی	۰/۲۵۱	۰/۰۰۰
آگاهی اجتماعی	۰/۲۵۶	۰/۰۰۰
مدیریت روابط	-۰/۳۴۱	۰/۰۰۰
نمره کل هوش هیجانی	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود، تنها مقیاس های مدیریت روابط، سبک اطلاعاتی و تعهد، وارد معادله شدند. عامل مدیریت روابط، خود به تنهایی ۱۱ درصد و سه عامل مدیریت روابط، سبک اطلاعاتی و تعهد، جمعا ۲۰ درصد واریانس انگیزه ی پیشرفت را پیش بینی می کند.

**جدول ۳: خلاصه ی نتایج رگرسیون گام به گام و تبیین رابطه ی
مقیاس ها و ضرایب آنها**

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	R ²	خطای پیش بینی
۱	^a /۳۴۱	/۱۱۶	/۱۱۴	۸/۱۹۴
۲	^b /۴۰۸	/۱۶۶	/۱۶۳	۹/۹۶۸
۳	^c /۴۴۷	/۲۰۰	۱۹۵	۷/۸۱۳

a. مدیریت روابط b مدیریت روابط، سبک اطلاعاتی c مدیریت روابط، سبک اطلاعاتی و تعهد

برای بررسی معنادار بودن این ارتباط، یافته ها را با آزمون تحلیل واریانس مورد مقایسه قرار داده ایم (جدول ۴).

جدول ۴: تجزیه و تحلیل مجموع مجذورات حاصل از رگرسیون - ANOVA

سطح معناداری	F	مجموع مجذورات	درجه ی آزادی	مجموع مجذورات	مدل
۰/۰۰۱ a	۵۹/۰۰۸	۳۹۶۲/۰۸۳	۱	۳۹۶۲/۰۸۳	رگرسیون
		۶۷/۱۴۵	۴۴۸	۳۰۰۸۰/۸۹۷	باقیمانده
			۴۴۹	۳۴۰۴۲/۹۸۰	کل
۰/۰۰۱ b	۴۴/۶۲۱	۲۸۳۲/۷۳۶	۲	۵۶۶۵/۴۷۲	رگرسیون
		۶۳/۴۸۴	۴۴۷	۲۸۳۷۷/۲۰۸	باقیمانده
			۴۴۹	۳۴۰۴۲/۹۸۰	کل
۰/۰۰۱ c	۳۷/۲۲۴	۲۲۷۲/۳۲۵	۳	۶۸۱۶/۹۷۵	رگرسیون
		۳۱/۰۴۵	۴۴۶	۲۷۲۲۶/۰۰۵	باقیمانده
			۴۴۹	۳۴۰۴۲/۹۸۰	کل

a مدیریت روابط b مدیریت روابط، سبک اطلاعاتی c مدیریت روابط، سبک اطلاعاتی و تعهد d وابسته متغیر انگیزه ی پیشرفت

با توجه به نتایج حاصل که در جدول فوق نشان داده شد، می توان گفت رگرسیون انگیزه ی پیشرفت بر سه متغیر مذکور معنادار است. ($P < 0/001$, $f = 37/227$) و با توجه به مندرجات جدول معادله ی رگرسیون به شرح زیر است:

$$\text{تعهد} = 0/327 - \text{سبک اطلاعاتی} 0/346 + \text{مدیریت روابط} 0/319 - 90/38 = \text{انگیزه ی پیشرفت}$$

نتایج فوق را می توان این گونه تفسیر کرد که افزایش تعهد و مدیریت روابط (به عنوان یکی از عوامل هوش هیجانی) باعث کاهش انگیزه ی پیشرفت و سبک هویت اطلاعاتی، موجب افزایش انگیزه ی پیشرفت می شود. جهت بررسی سهم سبک های هویتی، هوش هیجانی و انگیزه ی پیشرفت در عملکرد تحصیلی از تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد. هیچ یک از متغیرها ی مورد نظر با عملکرد تحصیلی ارتباط معنادار نداشتند و تمامی متغیرهای فوق تنها ۲ درصد از واریانس یا تغییرات عملکرد تحصیلی را پیش بینی می کنند. ادامه ی بررسی ها نشان داد که هیچ یک از سه متغیر پیش بین با متغیر عملکرد تحصیلی، رابطه ی معناداری ندارد.

بحث و نتیجه گیری

فرایند رشد هویت را باید هم فردی و هم بازتابی از محیط بزرگتر فرهنگی تلقی کرد. نوجوانانی که ارزش های پذیرفته شده توسط خود را که مبنای رشد هویت مثبت برای آنها بوده درونی کرده اند

از افرادی که واجد هویت منفی هستند یا هنوز اتخاذ نکرده اند، از سلامت روان بیشتری برخوردارند. همان طور که تحلیل های آماری نشان داد، تمامی متغیرهای پژوهشی، با انگیزه ی پیشرفت، ارتباط معناداری دارند؛ با این توضیح که ارتباط انگیزه ی پیشرفت با سبک هویت اطلاعاتی، بیشترین رابطه ی معنادار را داشت. در تحلیل رگرسیون انجام شده، تنها مقیاس های مدیریت روابط، سبک اطلاعاتی و تعهد وارد معادله شدند. عامل مدیریت روابط به تنهایی ۱۱ درصد و سه عامل مدیریت روابط، سبک اطلاعاتی و تعهد، جمعا ۲۰ درصد واریانس انگیزه ی پیشرفت را پیش بینی می کنند. بنابراین می توان گفت که رگرسیون انگیزه ی پیشرفت بر سه متغیر مذکور معنادار است و افزایش تعهد و مدیریت روابط (به عنوان یکی از عوامل هوش هیجانی) باعث کاهش انگیزه ی پیشرفت و سبک هویت اطلاعاتی، موجب افزایش انگیزه ی پیشرفت می شود. نتایج حاضر به دلیل سبک غالب در این گروه از نوع هنجاری و اطلاعاتی با نتایج برزونسکی و همکارانش (۲۰۰۰ و ۲۰۰۵) و همچنین با نتایج ولیوراس و بوسما (۲۰۰۴) هماهنگی دارد. در مورد رابطه ی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی، در مطالعه ی حاضر ارتباط معناداری دیده نشد. این یافته با نتایج پژوهش های نیوسام (۲۰۰۰) اکانر و لیتل (۲۰۰۳) و لطفی عظیمی (۱۳۸۵) هماهنگی دارد اما با نتایج پارکر و همکاران (۲۰۰۴) و (هوگان و ماجسکی، ۲۰۰۴؛ ایسجیل، ۲۰۰۵) ذوقی (۱۳۸۲) و زارع (۱۳۸۰) که نشان دادند هوش هیجانی ارتباط قوی و معناداری با موفقیت تحصیلی دارد مطابقت ندارد. با آنکه ارتباط معناداری بین سبک های هویتی و پیشرفت تحصیلی دیده نشد اما ارتباط ضعیف و مستقیم تنها بین سبک اطلاعاتی و پیشرفت تحصیلی مشاهده گردید که با یافته های برزونسکی و همکارانش هماهنگی دارد. شاید ندیدن ارتباط معنادار به دلیل آن باشد که سبک غالب دانشجویان در پژوهش حاضر از این نوع نبود و اکثرا در سبک هنجاری قرار می گرفتند. به علاوه در یافته های برزونسکی (۲۰۰۲، ۲۰۰۵) نیز می توان شاهد برخی تناقضات بود زیرا در یک مطالعه بین سبک هنجاری با پیشرفت تحصیلی رابطه مشاهده کرده بود و در جایی دیگر این ارتباط دیده نشده بود.

درباره ی اینکه سبک هویتی غالب از نوع هنجاری بوده و با دیگر یافته های پژوهش ارتباط دارد می توان ادعا کرد که حداقل در این قشر از جوانان، هنوز شاهد پیروی آنان از الگویی که والدینشان معرفی می کنند هستیم و این حقیقت را با نگاهی به وضعیت قبل از ورود به دانشگاه می توان یافت؛ زیرا در سال های اخیر، ورود به دانشگاه برای خانواده ها، والدین و... به عنوان یک ارزش تلقی شده

و آنها اکثرا در تلاشند تا جوانان خود را به این سو سوق دهند. اگر چه که این گرایش ارزشمند است اما این سوال پیش می آید که آیا ورود به دانشگاه به تنهایی کافی است؟ آیا نباید در کنار ترغیب ورود به دانشگاه، اولیا و مسوولان به دنبال راه کارهای جایگزین دیگری نیز باشند که بتواند پاسخگوی دیگر نیازهای کنونی جامعه باشد؟ این نکته حتی این مساله را در ذهن روشن می کند که شاید والدین نیز خود نمی توانند یا نمی دانند چه راه های مناسب دیگری را می توان جایگزین کرد. با نگاهی دیگر به وضعیت دانشجویان، شاید بتوان به تبیین دقیق تری از نتایج و درک بهتری از رفتارهای آنها دست یافت و بین نتایج این پژوهش با مصداق های عینی آن ارتباط برقرار کرد.

می توان احتمال داد که این جوانان برطبق خواسته و یا حتی فشارهای والدین و جامعه، رشته ی خود را انتخاب کرده باشند. تحمل فشار سال های قبل از دانشگاه، در جهت ورود به دانشگاه (حتی به قیمت عدم علاقه به رشته تحصیلی) باید استرس زیادی تولید کرده باشد. هرچند در ظاهر اکثر آنها هویتی شکل یافته دارند اما نتیجه ی پژوهش ها بارها نشان داده است که آنها در صورت ایجاد تغییر در شرایط، دچار بحران های هویتی و حتی تغییر وضعیت هویتی نیز می گردند و برای گروهی که تحت فشارهای بیرونی، سبک هویتی شان شکل بگیرد، چندان جای تعجب نیست که احساس تعهد نکنند، بنابراین طبیعی است که این افراد نباید چندان انگیزه ی پیشرفت طلبی خوبی داشته یا پیشرفت تحصیلی آنها در حد مطلوب باشد؛ همان شکایتی که اغلب مدرسان در دانشگاه ابراز می نمایند. مصداق های عینی دیگر آنرا می توان در تمایل به ترک تحصیل و عدم کارایی مطلوب دانشجویان پس از فراغت از تحصیل نیز مشاهده کرد و این که گروه بسیار اندکی از آنها از تخصص خود به جا و بطور مطلوب بهره می گیرند. آخرین بحثی که به نظر می رسد در اینجا الزامی باشد بررسی رابطه ی هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی و تطبیق آن با نتایج مطالعات قبلی است.

در مورد این عدم هماهنگی در زمینه ی رابطه ی هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی در ادبیات پژوهشی، نتایج متضادی به چشم می خورد. شاید این امر ناشی از عدم توجه به مبانی نظری و آزمونهای مورد استفاده در تحقیقات قبلی و در نهایت بی توجهی پژوهشگران به این امر باشد. بطور دقیق تر منظور دو دیدگاه متفاوت است؛ در دیدگاه میر- سالوی هوش هیجانی توانایی تلقی شده و به نوعی با پردازش اطلاعات نیز مرتبط بوده و در نتیجه آنرا آموختنی می دانند اما در مقابل بار-ان آن را به عنوان صفت شخصیتی، تلقی می کند. در نتیجه برحسب این که با توجه به کدام دیدگاه

هوش هیجانی بررسی و سنجیده شود، می تواند روابط متفاوتی با عملکرد تحصیلی داشته باشد که این امر نیازمند مطالعات آگاهانه و دقیق تر است.

منابع

- اسدالله پور، امین؛ زارعان، مصطفی؛ بخشی پور، عباس. (۱۳۸۵). رابطه ی هوش هیجانی با شخصیت و پیشرفت تحصیلی. سومین همایش بهداشت روانی دانشجویان. بهار. تهران.
- برک، لورا. (۲۰۰۷). روانشناسی رشد. ترجمه ی یحیی سید محمدی (۱۳۸۷). تهران: ارسباران.
- ذوقی پایدار، محمدرضا؛ عبدالله زاده، حسن؛ حیدری، طاهره. (۱۳۸۵). رابطه ی بین هوش هیجانی، فراشناخت، سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاههای همدان در سال ۱۳۸۴. مقاله ارایه شده در سومین همایش بهداشت روانی دانشجویان. بهار.
- راستگو مقدم، میترا. (۱۳۷۶). بررسی تحولی هویت شغلی از نوجوانی تا جوانی و ارتباط آنها پیشرفت تحصیلی، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه الزهرا.
- رایس، فیلیپ. (۲۰۰۱). روان شناسی رشد، از تولد تا مرگ. ترجمه ی مهشید فروغان (۱۳۸۶). انتشارات ارجمند.
- زارع، محسن. (۱۳۸۰). مطالعه سهم هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، روان شناسی بالینی. انستیتو روان پزشکی تهران.
- سالوی وهمکاران. (بی تا). هوش هیجانی. ترجمه ی نسرین اکبرزاده، (۱۳۸۳). تهران. فارابی.
- عبدالملکی، فاطمه، خوش کنش، ابوالقاسم،. صالح صدق پور، بهرام. (۱۳۸۶). بررسی معادلات ساختاری بین شخصیت استفاده از اینترنت و سبک هویت کاربران. پایان نامه ی کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه شهید بهشتی.
- گنجی، حمزه؛ میرهاشمی، مالک؛ ثابت، مهرداد. (۱۳۸۵). هنجاریابی مقدماتی آزمون هوش هیجانی برادبری- گریوز. مجله روان شناسی کاربردی. دوره ۱، شماره ۲. دانشگاه آزاد رودهن.
- لطفی عظیمی، افسانه. (۱۳۸۵). رابطه ی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی. مجله روان شناسی کاربردی. دوره ۱، شماره ۲. دانشگاه آزاد رودهن.
- نادری، عزت الله؛ سیف نراقی، مریم. (۱۳۷۵). روشهای تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات بدر.

وزیری ، شهرام ، و همکاران. (۱۳۸۳). روش تنظیم و گزارش پژوهش در روان شناسی مشاوره و علوم تربیتی. تهران: نشر روان.

Adams, G. R. (1998). Objective measure of identity of status, a manual on theory and test construction. Unpublished manuscript. University of Guelph.

Arrindel, W. Akkerman. (2005). Normative studies with the scale for interpersonal Behavior(SIB). *Journal of Personality and Individual Difference*. 38, 941-952.

Bayar, N., Sayil, M., (2005). Psychological aspects, risk-taking (psychology), risk taking. *Journal of Adolescence*. Elsevier.

Berman, A. M., Schwartz, S. J., Kurtines, W. (2001). The process of exploration in identity Formation: The role of style and competence. *Journal of Adolescence*. 24, 513-528.

Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2005). Identity style, psychosocial maturity and academic Performance, personality and individual different, *European Journal of Personality* 39 (1), 235-247.

Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Dose commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3 (2), 131-142.

Berzonsky, M. D. (2005) Ego identity: A personal standpoint in a postmodern word. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 5(2), 125-136

Berzonsky, M. D. Nurmi, J. E., Kinney, A., & Tammi, K. (1999). Identity processing orientation and cognitive and behavioral strategies and difference across different contexts. *European Journal of Personality*. 13, 105-120.

Berzonsky, M., Kuk, D., & Linda, S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. Student Affairs, Colorado State University, Ft. Collins, CO 80523-8004, USA.

Biglan, A. Boles, S., & Smolkowski, K. (2006). Social aspects, Interpersonal relations. *Journal of Adolescence*. 44 (2), 155-67. Elsevier. B. V.

Boyd, Vivian S., Hunt, Patricia F., Kandell, Jonathan J., Lucas, Margaretha S. (2003). Relationship between identity processing style and academic success in undergraduate student. *Journal of College Student Development*. 44,155-167.

Carr, A. (2007). *Positive psychology*. London: Mc Grow Hill.

Duries, B., Soenens, B., & Beyers, W. (2004). Personality, identity style and religiosity, *Journal of Personality*.

Hejazi, E., Shahraray, M., Farsinejad, M., Asgary, A. (2009) Identity styles and academic achievement: Mediating role of academic self-Efficacy.

- social psychology of education: *An International Journal*, 12 (1), 123-135.
- Kaufmann, D., & Feldman, K. (2004). Forming identities in college, research in higher education. 45 (5), 463- 467.
- Nurmi, J. E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinnery, A. (1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well being. *International Journal of behavioral development*, 21, 555-570.
- Petrides, K. V. Frederickson, N., & Furnham, A. (2004). The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and individual differences*. 36 (2), 227-293.
- Phillips, T. M. (2007). Influence of Appalachian Fatalism on Adolescent Identity Processes. *Journal of Family and Consumer Sciences*. 99 (2), 11-15.
- Soenens, B., Durieze, B., & Goosens, L. (2003). *Social-psychological profiles of identity style*.
- Streitmatter, J. (1993). Corresponding study of identity status with identity styles. *Journal of Adolescence*. Elsevier B.V.
- Vleioras, G. & B, G. Bosma, A. (2005). Are identity styles important for pschological well-being? *Journal of Adolescence*, 28 (3), 397-409.

